آیات الاحکام در آثار شهید مصطفی خمینی(ره)(۳)

دیدگاهها درباره زینت در قرآن

زینت زینت طبیعی و مصنوعی را در بر می گیرد. از این روی در بین صاحب نظران و مفسران درباره استثنای آیه شریفه: (ولایبدین زینتهن الاّ ماظهر منها.) بحثی درگرفته و در زینت آشکار مورد استثنای آیه چهار دیدگاه نقل شده است که سه دیدگاه آن را شهید مطهری چنین بیان می کند:

۱ . مراد از زینت آشکار جامه های روست و مراد از زینت پنهان پای برنجن و گوشواره و دستنبد است. این قول از ابن مسعود نقل شده و در لسان العرب نیز آمده است.۹۷

۲ . مراد از زینت ظاهره آرایش ظاهری است مانند: سرمه انگشتر خضاب یعنی زینتهایی که در چهره و دو دست تا مچ واقع است این قول ابن عباس است.

۳ . مراد از زینت آشکار خود چهره و دو دست تا مچ است و این از ضحاك و عطا نقل شده است. درتفسیر کشاف قول ابن عباس پذیرفته شد و زینتهای باطن به دستبند و پای برنجن بازوبند کمربند و گوشواره تفسیر شده و معتقد است در آیه پوشانیدن خود زینتهای باطنه مطرح است نه محلهای آنها از بدن مانند: ذراع ساق پا بازو سر و سینه و گوش.

زمخشری به بیان فلسفه استثنای زینتهای ظاهره از قبیل: سرمه خضاب و گلگونه و انگشتر می پردازد و علت آن را حضور زن در محاکمات و درموقع ازدواج و در کوچه و بازار می شمارد که پوشش اینها باعث حرج می گردد.۹۸

شهید مطهری از فخررازی نقل می کند که منظور از زینت در آیه زینتهای طبیعی است. وی از قفّال نقل می کند که زینت آشکار چهره و دو دست است;زیرا در معاشرتها ناگزیر آنها باید آشکار شوند و از آن جا که شریعت اسلام شریعت آسان و آسان گیری است پوشش چهره و دو دست را لازم ندانسته است.۹۹

۴ . گروهی از پسینیان زینت در آیه شریفه را زینتِ طبیعی دانسته اند مانند دیدگاه سوم با این تفاوت که آیه در صدد استثنای چهره و دو دست نیست بلکه آشکار بود آنها طبیعی است: (لایبدین زینتهن); یعنی زیباییهای اندام خود را مانند:مو گردن ساق پا و آرنج و... را نباید آشکار کرد مگر این که بر اثر حادثه ای آشکار شوند: (الاّ ماظهر منها). مگر آنچه آشکار شود نه آنچه آشکار است. در این صورت ما دو گونه زینت: آشکار و پنهان نداریم بلکه آنچه باید پنهان کرد و شاید بر اثرحادثه ای آشکار شود. در این صورت گناهی بر زن نیست; زیرا قصدی برای این نداشته است. برای جلوگیری از چنین رخدادی از یك سوی باید روسری خود را پیرامون گردن خود ببندد و از دیگر سوی در هنگام راه رافتن به گونه ای راه رود که ساق پای او آشکار

نگردد.
شهید آقا مصطفی خمینی در تفسیر آیه دیدگاه چهارم را می پذیرد و صورت و دو دست از دایره در برگیری آغاز و پایان آیه خارج می داند و بر این باور است که آیه نمی خواهد آنها را استثناء کند.
ایشان ادامه آیه را گواه بر دیدگاه خود می گیرد. انداختن روسری بر دور کردن برای جلوگیری از آشکار شدن اتفاقی سرو گردن است. ایشان استثنای در آیه (الاما ظهر منها) را مانند استثنای در آیه (ما کان لمؤمن ان یقتل مؤمناً الاّ خطاءً)۱۰۰ می داند. مؤمن مؤمن را نمی کشد مگر به اشتباه این بدین معنی نیست که کار مؤمن کشتن مؤمن به اشتباه است بلکه می خواهد بگوید: مؤمن مؤمن را نمی کشد و اگر زمانی چنین اتفاق افتاد حتماً از روی اشتباه بوده است که اگر عمدی باشد باید در ایمان وی تردیدی کرد.
این جا هم به این معناست که زنان مؤمن زینتهای خود را نمی نمایانند. برابر این معنی زینت در کلمه (زینتهن) در هر سه مورد که در آیه یاد شده به یك معناست; یعنی گردن آرنج و ساق پا را باید از نگاه نامحرمان حفظ کرد و برابر شأن نزول آیه بقیه بدن در آن زمان پوشیده بوده است.
منظور از زینت در آیه که می فرماید: (ولایضربن بارجلهنّ لیعلم مایخفین من زینتهنّ) ساق پا است که در سخن آقا مصطفی آمده نه خلخال که در هنگام راه رفتن صدای آن شنیده می شود.
اما این که چگونه می شود ساق پا در هنگام راه رفتن آشکار شود؟ گرچه پاسخ آن در کلام ایشان نیامده اما باید به شیوه لباس پوشیدن مسلمانان در صدر اسلام توجه کرد که گفته اند: زنان و مردان از لنگ استفاده می کرده اند مانند آنچه در هنگام احرام حج واجب است.
با چنین پوششی اگر در هنگام راه رفتن دقت کافی نشود بخشی از ساق پا آشکار می شود و قرآن سفارش می کند مواظب این مهم باشند.
با توجه به شرحی که ارائه شد متن سخنان ایشان را که در حاشیه تحریر در تفسیر آیه بیان شده می آوردیم و دیدگاه ایشان را درباره روایات و تفسیرهایی که از آیه شده یادآور می شویم:
(وبالجملة معنی الآیة هو انّ المؤمنات یوجدن الموانع والحواجب بینهنّ وبین مایحرم علیهن النظر الیه ویخفظن فروجهنّ عن کل آفةٍ عرفیة وخلاف عقلی وممنوع شرعی حسب الاطلاق فانّه احیل فهم المحذوف الی الامة لانّه لانّه امر یدرکه الطبایع السلیمة والانفس المتشرعة (ولا یبدین زینتهنّ الاّ ماظهر منها) واتفق ظهوره بجریان الریاح فیکون حال هذا الاستثناء حال الاستثناء فی قوله تعالی: (ما کان لمؤمن ان یقتل مؤمناً الا خطاءً) فلو ظهرت الزینة کالجیوب والزندین والساقین مما هی المحرکات نوعاً و تثیر الشهوات عادة فلابأس ولکن لایجوز اظهارها ویؤید ذلك قوله تعالی: (ولیضربن بخمرهن علی جیوبهنّ) حتی لایظهرو لو من باب الاتفاق

والصدفة وحين الغفلة والذهول وايضاً يشهد لما اشير اليه تعقيب القول المزبور قوله تعالى (ولايبدين زينتهن) فيكون الوجه و الكف والقدم خارجة عن الاية صدراً وذيلاً ولايكون الكف والوجه والقدم محل الزينة حتى يصح اطلاق الزينة عليه باعتبار علقة الحلول. هذا مع قطع النظر عن اخبار المسئلة.)۱۰۱

وخلاصه معنی آیه این است که زنان مؤمن بازدارنده هایی بین خود و آنچه نگاه بر آن حرام است پدید می آورند و دامنهای خود را از هر آفت عرفی و خلاف عقلی و حرام شرعی نگه می دارند. پس فهم نکته حذف شده به امت واگذار شده; زیرا امری است که سرشتهای سالم و نفسهای شرع باور آن را درك می کنند (زینتهای خود را نمی نمایانند مگر آنچه از آن نمایانده شود) و آشکار شدن آن به وزیدن باد رخ دهد. از این روی این استثناء مانند استثناء در آیه قرآن است که می فرماید: (هرگز مؤمن مؤمنی را نمی کشد مگر این که این کار به اشتباه از او سر زند.)

بنابراین اگر زینت [طبیعی زن] مانند: گردن و آرنج و دو ساق پا ظاهر شد که بیش تر بر انگیزاننده و شهوت انگیزند اشکال ندارد ولی نمایاندن آنها جایز نیست. تأیید کننده این نظر سخن خداوند است که می فرماید: (و باید روسریهای خود را بر گردنهای خود قرار دهند) تا آشکار نشوند گرچه از باب اتفاق و برخورد ناگهانی غفلت و فراموشی باشد وگواه آن نیز ادامه آیه است (وظاهر نکنند زینتهای خود را) [که حکم محرمان را ذکر می کند] پس صورت کف دست و پا خارج از آغاز و انجام آیه است و این سه جا زینت نیز نیستند تا اطلاق زینت بر آنها به اعتبار علاقه حلول روا باشد. آنچه یاد شد با قطع نظر از اخبار مسأله است.

در این جا چند اشکال مطرح می کند و از آنها پاسخ می دهد:

شاید کسانی بگویند: (یحفظن فروجهنّ) دلالت بر واجب بودن پوشش تمام بدن می کند; زیرا تمام بدن زن عورت است آن گونه که در پاره ای از روایات آمده است.

از این ادعا پاسخ می دهد: ثابت کردن آن ممکن نیست: (دون اثباته خرط القتاد.)

یا شاید کسانی بگویند: یك دسته اخبار دلالت می کند که (ماظهر منها) زینت ظاهری است مانند انگشتر گردن بند سرمه و...

می گوید: این گونه اخبار از جهت سند کامل نیستند و حجت بودن و فراگیری اینها در برابر ظهور آیه مشکل است. بنابراین آیه بر واجب بودن پوشش همه اعضای بدن دلالت ندارد.۱۰۲

افزون بر این پاره ای از اخبار دلالت دارند که پوشش چهره و دو دست لازم نیست از جمله دو خبر معتبر فضیل و مفضل بن عمر است:

۱. (سألت ابا عبدالله(علیه السّلام) عن الذراعین من المرئه هما من الزینة التی قال اللّه تعالی: (ولایبدین زینتهن الاّ لبعولتهن)؟ قال: نعم و مادون الخمار من الزینة و ما دون السوارین.)۱۰۳

[فضیل می گوید:] از امام صادق(علیه السّلام) از دو ذراع زن پرسیدم که آیا آن دو از جمله

زینتی است که در آیه شریفه آمده است: (زینتهای خود را آشکار نکنند مگر برای شوهران خود)؟ فرمود: آری و پایین تر از روسری و پائین تر از مچ دستها از زینت است. روشن است که چهره خارج از پوشش روسری است و روسری سروگردن را می پوشاند و دست به بالای مچ گفته می شود نه به پایین آن بنابراین آیه و بخش اول آن موارد بالا را در بر نمی گیرد.

۲. (قلت لأبی عبداللّه(علیه السّلام) جعلت فداك ما تقول فی المرأة تکون فی السفر مع الرجال لیس فیهم لها ذو محرم ولامعهم امرأة فتموت المرأة مایصنع بها؟ قال یغسل منها اوجب اللّه علیه التیمم ولاتمسّ ولایکشف لها شیئ من محاسنها التی امر اللّه بسترها قلت: فکیف یصنع بها؟ قال: یغسّل کفیّها ثم یغسّل وجهها ثم یغسّل ظهر کفّیها.)۱۰۴

[مفضل می گوید] به امام صادق(علیه السّلام) گفتم: فدایت شوم چه می فرمایید درباره زنی که در سفر می میرد و محرمی ندارد و نه هم در بین همسفران زنی وجود دارد. چگونه باید با او رفتار شود. امام فرمود: شسته شود بسان تیمم که خداوند واجب کرده است و لمس نشود و هیچ چیز از زیباییهای زن که خداوند فرمان پوشش آن را داده آشکار نگردد. گفتم: چگونه عمل شود؟

فرمود: کف دو دست و چهره آن گاه پشت دستان وی شسته شود.

این دو روایت دلالت دارند که پوشش چهره و دو دست واجب نیست و دیگر اعضاء که از آن زیباییهای زن تعبیر شده پوشیده می شود. افزون بر این اخبار سیره بر آن دلالت می کند: (و کمك می کند اخبار را سیره و نیاز بسیار مردم و اگر پوشش چهره و دستها واجب بود روشن می گردید مانند آتشی که در

بالای مناره افروخته شود و برای چنین مسأله مهم یك یا دو خبر مانند: نامه صفار کافی نیست و شایسته نیست درهم آمیختن بین اخبار این مسأله و روایات مسأله حرام بودن نگاه; زیرا همان گونه که یاد شد پیوستگی بین حرام بودن نگاه و واجب بودن پوشش نیست; از این روی تلاش صاحب جواهر و دیگران در استدلال به این روایات تلاش بی فایده ای است.)۱۰۵

آن گاه ایشان با اشاره به دیدگاه جمهور به این نکته اشاره می کند که برابر آن چهره و دو دست تا مچ استثناء شده اند و یا دست کم روایات از این جهت ابهام دارند و چنانچه نوبت به ناسازگاری اخبار در مسأله برسد روایات جایز بودن نگاه از جهت دلالت و سند قوی ترند و اخبار صحیح مخالف به سه روایت نمی رسند; از این روی قول به اعتبار آنها دشوار است و چنانچه نوبت به اصول عملیه برسد استصحاب و برائت جایز بودن را می رسانند.

خون

پیش از بحث درباره خون که از اعیان نجسه است یادآوری دو مطلب که شهید آقا مصطفی پیش از بحث مکاسب محرمه آورده مهم می نماید:

۱ . اصل اولیه در داد و ستدها جایز و حلال بودن است و در موارد شك دردرستی می توان از این اصل استفاده کرد مگر آن که دلیلی برخلاف آن اقامه شود.۱۰۶

۲. ایشان بحث کوتاهی درباره حدیث منسوب به پیامبر: (ان اللّه اذاحرّم شیئاً حرّم ثمنه)۱۰۷ دارد و بر این باور است که این حدیث ضعیف و از جهت معنی ابهام دارد و شاید قاعده ای باشد که از روایات به دست آمده باشد.۱۰۸

از این دومطلب نتیجه می گیرد که ما در بحث مکاسب محرمه و اعیان نجسه باید به دلیلهای ویژه مراجعه کنیم و مقدار دلالت آنها را به دست آوردیم.

خرید و فروش خون

فقها در بحث از پیشه های حرام دادوستد خون را یاد کرده اند و هرگونه دادوستدی را درخون باطل دانسته اند. البته مدار سخن آنان خرید و فروش خون نجس حیوانات است و آن جا که در قدیم امکان بهره وری از خون انسان نبوده آن را مطرح نساخته اند.

اینان برحرام بودن خون به آیات قرآن و احادیث و اجماع استناد کرده اند.

شیخ انصاری حرام بودن دادن خون و در برابر آن چیزی گرفتن را اجماعی دانسته و بیان می کند که در نهایه شیخ طوسی و شرح ارشادِ فخرالدین و تنقیح فاضل مقداد بر این اجماع تصریح شده است; اما نسبت به خون پاك دو وجه بیان می کند و جایز بودن آن را می پذیرد.۱۰۹

شهید آقا مصطفی خمینی درباره خون و جایز بودن داد و ستد آن سخن کوتاهی دارد که درخور درنگ است:

(ومنها الدم فانّ مقتضی اطلاق الایة الشریفه حرمته و ممنوعیة بیعه ولو کان طاهراً وهکذا وضعیه المرفوعة الواسطی.)۱۱۰

از جمله پیشه های حرام دادوستد خون است زیرا مقتضای آیه شریفه حرام و ممنوع بودن دادوستد خون است گرچه پاك باشد و همین گونه است معنای مرفوعه واسطی.

ایشان در این سخن دو دلیل بر حرام بودن خرید و فروش هرگونه خونی بیان می کند: قرآن و مرفوعه واسطی. قرآن در بسیارجاها برحرام بودن خون تصریح دارد و از آنجا که آن را مقید به پاکی و نجسی نکرده استفاده می شود که دادوستد هرگونه آن حرام است:

(انّما حرّم علیکم المیتة والدم ولحم الخنزیر وما اهلّ لغیر اللّه به.)۱۱۱

خداوند تنها مردار خون گوشت خوك و آنچه را که نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن گفته شود بر شما حرام کرده است.

همین آیه درسوره نحل۱۱۲ و در سوره مائده۱۱۳ با اندك تفاوتی در آغاز آن باد شده است.
ولی در آیه ۱۴۵ سوره انعام که این چهار مورد را یاد می کند درباره خون می فرماید: (أو دماً مسفوحاً) از این تعبیر فهمیده می شود: خونی که در این چهار آیه آمده خونی است که در هنگام کشتار از حیوان بیرون می آید. در نتیجه خونی را که بعد از کشتار در گوشت می ماند در بر نمی گیرد.
در مرفوعه واسطی آمده است: علی(علیه السّلام) قصابها را از خرید و فروش خون باز می داشت.۱۱۴
فقیهان این باز داشتن حضرت امیر(علیه السّلام) را برای خوردن دانسته اند. شیخ انصاری۱۱۵ و امام خمینی۱۱۶ براین نکته به روشنی اشاره دارند.
شهید آقا مصطفی حدیث و آیه را بر این مطلب حمل می کند و در پاسخ از ممنوع بودن دادوستد می نویسد:
(اللهم الاّ ان یحملان علی الأکل لاقتضاء السیاق فیها فیجوز بیعه لغیر الاکل ولوکان من النجس.)۱۱۷
مگر این که آیه و مرفوعه واسطی برممنوع بودن خوردن خون حمل شوند; زیرا اسلوب آیه چنین خواستی دارد. بنابراین جایز خواهد بود دادوستد خون برای چیزهای دیگر غیر از خوردن گرچه نجس باشد.
بنابه نظر ایشان اگر خون را برای غیر خوراکی کسی بخرد یا بفروشد. اگر بازدارنده دیگری نداشته باشد و سلامتی خون دهنده را به خطر نیندازد دادوستد صحیح خواهد بود. برای روشن شدن سیاق آیه آن را یادآور می شویم:
انّما حرم علیکم المیتة والدم والحم الخنزیر وما احلّ لغیر اللّه فمن اضطرّ غیر باغ ولاعاد فلا اثم علیه ان اللّه غفور رحیم.)۱۱۸
ذیل آیه که می فرماید: (پس هرکسی در ناگزیری بدون این که از اندازه بگذرد خون بخورد گناهی بر او نیست. گواه بر جایز بودن خوردن خون است. درروایاتی که علت حرام بودن خون بیان شده از خوردن آن سخن به میان آمده است مانند روایت امام رضا۱۱۹ و امام باقر(ع)۱۲۰.
از این دو روایت استفاده می شود دادوستد خون در صورتی که زیان جسمی داشته باشد و یا سبب ناامنی اجتماعی بشود جایز نیست.

غنا در قرآن

غنا در قرآن به روشنی مطرح نشده است بلکه قول زور و لهو که در آیات آمده به غنا تفسیر شده اند:

۱ . (واجتنبوا الرجس من الاوثان واجتنبوا قول الزور.)۱۲۱

دوری گزینید از پلیدی که بتها هستند و دوری گزینند از سخن زور.

قول زور دراین آیه به غنا تفسیر شده است و این معنی درروایت زید شحام۱۲۲ مرسله ابن ابی عمیر۱۲۳ روایت عبدالاعلی۱۲۴ و خبر محمد بن عمروبن حزم یاد شده است.۱۲۵

۲. (ومن الناس من یشتری لهو الحدیث لیُضِلّ عن سبیل اللّه ویتّخذها هزواً اولئك لهم عذاب مهین.)۱۲۶

و از آدمیان کسانی هستند که سخن بیهوده می خرند تا بدون آگاهی مردم را از راه خدا به دَر برند و آیات خدا را به مسخره گیرند. برای اینها عذابی خوارکننده است.

لهو حدیث در آیه شریفه درروایت محمد بن مسلم از امام باقر(ع)۱۲۷ حدیث وشاء از امام رضا(ع)۱۲۸ روایت مهران بن محمد و حسن بن هارون از امام صادق(ع)۱۲۹ و روایت عبدالاعلی۱۳۰ به غناء تفسیر شده است.

۳ . (والذین لایشهدون الزور.)۱۳۱

در روایت ابوالصحاح از امام صادق(ع) زور به غنا تفسیر شده است.۱۳۲

شهید مصطفی خمینی فراگیری در این آیات و دلالت آنها اشکال دارد و از هر یك از برداشتها و استدلالها پاسخ می دهد:

(ویشکل الاوّل بانّ مهیة الغناء لیست قول الزور فهو من مصادیقه باعتبار اشتماله علی الزور الذی هو الباطل فما هو الواجب اجتنابه مالایمکن الالتزام به وهو مطلق الباطل.)۱۳۳

و استدلال به آیه نخست مشکل است; زیرا که حقیقت غنا قول زور نیست بلکه غنا از نمونه های آن است. از آن جهت که دربردارنده زور است که همان باطل باشد.

پس آنچه پرهیز از آن بایسته می نماد چیزی است که پایبندی به آن ممکن می باشد و آن باطل است. بنابراین تمام گونه های غنا قول زور نیست بلکه قسمتی از آن قول زور است که در بردارنده باطل و کارهای خلاف شرع باشد.

در پاسخ برداشت از آیه دوم می نویسد:

(نتیجه تفسیر لهو به غنا این است که غنا از گناهان کبیره باشد در حالی که فقیه آن را بر عهده نمی گیرد.)۱۳۴

در آیه برای سخن بیهوده وعده عذاب داده شده است و در تعریف گناه کبیره گفته اند: گناهی است که در قرآن بر انجام آن خداوند وعده عذاب داده باشد. امّا این که چرا فقیه نمی تواند به آن گردن نهد از آن روست که جاهای زیادی حرام بودن غنا استثناء شده است و این سبب گردیده که مسأله زشت جلوه کند. معنی ندارد چیزی را که خداوند وعده غذاب داده باشد درعروسیها و عیدهای اسلامی و برای یاد آخرت حلال باشد.

ملاحبیب اللّه کاشانی مواردی را که از غنای حرام جدا شده به هشت مورد می رساند:

قراءت قرآن ، غناء زن در شب عروسی ، غناء حجاج ، غنا مجاهدان ، غنا در روزهای عید در

سخنرانی در مناجات و دعا غنا در مصیبتها.۱۳۵
و از برداشت حرام بودن غناء از آیه سوم پاسخ می دهد: آیه دلالتی بر حرام بودن ندارد بویژه حرام بودن فعلی آن.
آن گاه ایشان در درستی سند روایاتی که در ذیل آیات وارد شده تردید می کند و می نویسد:
(ان الروایات الواردة فی ذیل الآیات بل و غیرها بکثرتها البالغة حد التواتر المعنوی غیر نقیة السند الا ما شذّ منها.)۱۳۶
روایاتی که در ذیل این آیات آمده بلکه دیگر روایات با زیادی آنها به مرحله تواتر معنوی رسیده اند از جهت سند کامل نیستند جز شمار اندکی.
آن گاه نتیجه می گیرد:
(آنچه برای من روشن شده است بر حرام بودن غنا به مفهوم گسترده آن دلیلی وجود ندارد و تنها گونه ای از آن حرام است....
این دیدگاه ما غیر از دیدگاه نقل شده از پیشینیان [فیض و سبزواری] است; زیرا من به حرام بودن غنا باور دارم گرچه باحرامهای دیگری همراه نباشد. به نظر من مجلس غنا مجلسی که برای لهو و باطل تشکیل شده باشد حرام است. دلیل بر این مطلب افزون بر نارسایی دلیلها از ثابت کردن حرام بودن هرگونه غنا و احتمال این که روایات ناظر به مجلسهای شناخته شده در زمان صدور اخبار باشد نکته ای است که در روایات نفرین آمده: (غنا و مجلس تغنی است.)۱۳۷
سپس ایشان سه روایت می آورد که غناء زشتی آن متوجه مجلسها و خانه هایی است که در آن نغمه خوانی شده و به این کار شهره بوده اند.
در ادامه بحث از مفهوم غناء می نویسد:
(شاید بگوییم شیخ مرتضی همانند این معنی را درنظر دارد; زیرا غنای در بردارنده باطل را حرام می شمارد نه هرگونه غنایی را.)۱۳۸

پی نوشتها:

۹۷ . لسان العرب) ج۱۳/۲۰۱.
۹۸ . (مسئله حجاب)۱۴۷/.
۹۹ . همان مدرك.
۱۰۰ . سوره (نساء) آیه ۹۵.
۱۰۱ .(حاشیه تحریر الوسیله) نکاح۳۰/ ـ ۴۰ دستنوشته.
۱۰۲ . همان مدرك۴۰/.
۱۰۳ . (نورالثقلین) ج۳/۵۹۲ ح۱۲۰.

۱۰۴ . (وسائل الشیعه) ج۲/۷۱۰.
۱۰۵ . (حاشیه تحریرالوسیله) نکاح۴۱/ دستنوشته.
۱۰۶ . (حاشیه تحریر الوسیله) مکاسب محرمه۳/ دستنوشته. درباره این اصل می نویسد: (مستند الاصل عمومات الکتاب والسنة واقتضاء بناء العقلاء والملة بل مقتضی الاصل العملی اذا وصلت النوبة الیه.) مستند این است عمومات کتاب و سنت و بنای خردمندان عرف است بلکه مقتضی اصل عملی است چنانچه نوبت به آن برسد.)
۱۰۷. (کتاب المکاسب(شیخ انصاری ج۱/۱۹ چاپ شده در مجموعه تراث الشیخ الانصاری ج۱۴; (عوالی اللآلی) احسائی تحقیق مجتبی عراقی ج۲/۱۰ ح۳۰۱.
۱۰۸ . حاشیه تحریر) مکاسب محرمه۴/. ایشان درباره این حدیث می نویسد: (ولعمری ان هذا الحدیث لایسمن ولایغنی من جوع لضعف السند وقوة اصطیاده من المواقف الاخر المسانخة معه وعدم وضوح المقصود. فعلیه لابد من الفحص عن الموارد الخاصة.) به جان خودم سوگند که این حدیث به خاطر ضعف سند از چیزی بسنده نمی کند و این نظر قوی است که از موارد همانند آن را به عنوان قاعده گرفته باشند. مقصود و معنای آن نیز روشن نیست. بنابراین برای هر یك از موارد (مکاسب محرمه) باید دلیل ویژه آن را جست.
۱۰۹ . (کتاب المکاسب) شیخ انصاری ج۱/۲۷.
۱۱۰ . (حاشیه تحریرالوسیله) آقامصطفی۶/. ۱۱ . سوره (بقره) آیه ۱۷۳.
۱۱۲ . سوره (نحل) آیه ۱۱۵.
۱۱۳ . سوره (مائده) آیه ۳.
۱۱۴ . (وسائل الشیعه) ج۱۶/۳۵۶.
۱۱۵ . (کتاب المکاسب) شیخ انصاری ج۱/۲۸.
۱۱۶ . (المکاسب المحرمه) امام خمینی ج۱/۳۸ اسماعیلیان قم. (والاظهر فیه جواز الانتفاع به فی غیر الاکل وجواز بیعه لذلك... ان النهی عن بیع سبعة اشیاء منها الدم فی مرفوعة ابی یحی الواسطی یراد به البیع للاکل لتعارف اکله فی تلك الامکنة والازمنة.
۱۱۷ . (حاشیه تحریر الوسیله) مکاسب محرمه۷/.
۱۱۸ . سوره (بقره) آیه ۱۷۳.
۱۱۹ . تفسیر (نورالثقلین) ج۱۵۳/.
۱۲۰ . همان مدرك۱۵۴/.
۱۲۱ . سوره (حج) آیه ۳۰.
۱۲۲ . (وسائل الشیعه) ج۱۲/۲۳۷.
۱۲۳ . همان مدرك.
۱۲۴ . همان مدرك۲۲۹/.
۱۲۵ . همام مدرك۲۳۰/.

۱۲۶ . سوره (لقمان) آیه ۶.

۱۲۷ . (وسائل الشیعه) ج۱۲/۲۲۶.

۱۲۸ . همان مدرك۲۲۷/.

۱۲۹ . همان مدرك۲۲۶/ ۲۲۸.

۱۳۰ . همان مدرك۲۲۹/.

۱۳۱ . سوره (فرقان) آیه ۷۲.

۱۳۲ . (کافی) کلینی ج۶/۴۳۳; (وسائل الشیعه) ج۱۲/۲۲۶.

۱۳۳ . حاشیة تحریر) مکاسب ۴۵/.

۱۳۴ . همان مدرك.

۱۳۵ . (ذریعة الاستغناء) ملاحبیب اللّه کاشانی۱۳۱/ ـ ۱۳۶ دانشگاه کاشان.

۱۳۶ . حاشیه تحریر الوسیله مکاسب۴۶/.

۱۳۷ . همان مدرك.

۱۳۸ . همان مدرك۵۱/; (کتاب المکاسب) شیخ انصاری ج۱/۳۱۲ ۳۱۳.

*** ارسال مقاله توسط عضو محترم سایت با نام کاربری : sm1372**

This document was created with Win2PDF available at http://www.daneprairie.com.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.